

# هدفم، افتخار برای ایران و ایرانی است

گفت و گویا بهناز شفیعی، بانوی

موتور سوار ایرانی که جزو ۵ موتور سوار برتر

دنیا در این رشته ورزشی شده و در این حوزه

افتخارات بسیاری کسب کرده است

کوترازان | خبرنگار

زمان زیادی از روزهایی که بانوان ایرانی حضورشان را در دنیای ورزش موتورسواری به اثبات رسانده اند، نگذشته است. مسیری که برای بسیاری از آن‌ها فراز یادگیری یک ورزش، تلاشی برای اثبات توانایی‌هایشان بوده است. در این میان، اما بهناز شفیعی توانست با تلاش و اراده اش، رویاهاش را به واقعیت تبدیل کند. این خانم موتور سوار برای ما از سختی‌ها و مشکلاتی که در این مسیر پشت سر گذاشته بود گفت. دیده شدن او در سال ۲۰۱۵ و قرار گرفتن نامش در فهرست پنج نفر اول جهان دستاوردی است که می‌توان آن را فرصتی برای دیده شدن بانوان ایرانی دانست. با این وجود پشت هر موفقیت داستان‌های نگفته‌ای از شکست‌ها و ناامیدی‌های متعدد وجود دارد که شاید هیچ کس آن‌ها را نشنیده باشد. روزهای دشوار، تلاش‌های مداوم و لحظه‌هایی که ادامه دادن نیاز به انگیزه دارد. داستان بهناز شفیعی بهانه‌ای است برای اندیشیدن به معنا و عظمت بانوان ایرانی و تلاش بی‌وقفه آن‌ها برای رسیدن به موفقیت‌های جهانی. او از سختی‌هایی که پشت سر گذاشته و از رؤیایی که همچنان در ذهن دارد می‌گوید: «امیدوارم روزی برسد که بانوان ایرانی بتوانند با فرصت‌ها و امکانات بیشتر، علاقه و استعداد خود را دنبال کنند.» در ادامه گفت و گوی ما با این بانوی ورزشکار را بخوانید.



## هیچ چیز، نشد ندارد

این بانوی ورزشکار که خیلی دوست داشته الهام بخش بقیه بانوان باشد می‌گوید: «نه فقط در موتورسواری بلکه در بقیه امور هم دوست داشتم الگویی باشم تا بانوان را دیدن کار من، برای خواسته‌هایشان بچنگند. با این مسیری که طی کردم، می‌خواستم به بانوان سرزمین نشان بدهم که هیچ چیزی نشد ندارد و محدودیت فقط یک شعار و بهانه است. می‌توان در سطح جهان رشد کرد و درخشید و می‌شود با وجود محدودیت‌ها ستاره شد. به همین دلیل خانم‌ها باید خودشان را باور کنند، کارهایی را که دوست دارند انجام دهند و برای خواسته‌هایشان بچنگند.» بهناز شفیعی درباره واکنش اطرافیان می‌گوید: «اطرافیان معمولاً تعجب می‌کردند و می‌گفتند واقعا موتورسواری می‌شوی؟ بعضی‌ها هم تشویق می‌کردند و می‌گفتند: ایول، دمت گرم!»



## عامل شروع این مسیر

خانم شفیعی در پاسخ به این پرسش که چه چیزی باعث شروع این مسیر شد، می‌گوید: «سیزده به در سال هشتاد و سه زمانی که برای تعطیلات به روستایی اطراف زنجان رفته بودیم، خانمی را دیدم که داشت موتورسواری می‌کرد و حدوداً سی ساله بود. همان جا این جرقه در ذهن من خورد که من هم موتورسواری کنم و شروع کردم به یاد گرفتن. در آن زمان شانزده ساله بودم و دلیل اصلی این که موتورسواری را شروع کردم همان خانم بود.» در رابطه با افزایش موتورسواری اخیر بانوان خانم شفیعی می‌گوید: «هر کسی می‌خواهد مهارتی را شروع کند نیاز به یک جرقه ذهنی دارد، من هم زمانی که آمدم موتورسواری را شروع کنم هر جایی یک خانم را می‌دیدم که موتورسواری می‌کند باعث انگیزه و الهام بخش من می‌شد. حدود نه سال بعد به طور حرفه‌ای موتورسواری را ادامه دادم و تمام رسانه‌ها به این قضیه پرداختند که اولین خانم موتورسوار ایران هستم. در سطح بین‌المللی هم موفقیت‌هایی را کسب کردم. باتوجه به وضعیت اقتصادی جامعه و به دلیل ترافیکی که در شهرها داریم، خانم‌ها بیشتر به موتور تمایل دارند و به سمت این وسیله نقلیه می‌روند که کتب این هم حق مسلم‌شان است.»



## همت خودم و لطف خدا

از خانم شفیعی درباره حامی اصلی او در این مسیر پرسیدیم، در پاسخ گفت: «هیچ کسی نبود. هیچ دوستی و هیچ یک از اعضای خانواده از من حمایت نکردند. تماشا هم خودم و لطف خداوند بود. ولی مادرم در این مسیر همیشه مشوقم بود و می‌گفت: مسیری را که شروع می‌کنی تا انتها برو، دختر باید قوی باشد و هر کاری را بلد باشد. او به من افتخار می‌کرد، اما کسی نبود که وسایل موتورسواری و نیازهای مالی

این رشته پرهزینه را برایم برطرف کند. من با مشکلات مالی، کلیشه‌هایی که راجع به موتورسواری بانوان وجود داشت و کسانی که مخالف بودند جنگیدم.» این موتورسوار از خاطره اولین بار حضور در پیست آزادی چنین می‌گوید: «سال نود و چهار اولین خانمی بودم که توانست این قانون را بشکند، وارد پیست آزادی بشود و دورهای موتورسواری حرفه‌ای را ببیند. اولین خانمی بودم که پا به استادیوم آزادی گذاشته بود.»

## می‌خواهم برای کشورم

### افتخار کسب کنم

از خانم شفیعی در مورد مدتی که در خارج اقامت داشتند پرسیدم که گفت: «من رفتم آنجا مهارت‌های موتورسواری را یاد بگیرم و برگردم به ایران تا دیدم مردم را به این رشته را تغییر بدهم. دلیل اصلی رفتن من این بود که برای کشورم افتخار کسب کنم. نشان جغرافیایی هم آمد و مستند من را ساخت. ولی وقتی برگشتم پدر اسبون برخورد خیلی بدی با من کرد و کمیته انضباطی تشکیل دادند. گفتند این برگه‌هایی که شما گرفته‌اید یک تکه کاغذ است و هیچ ارزشی ندارد. در صورتی که شش ماه زحمت و هزینه پشت آن برگه و مدار کی بود که من از مدارس آن جا گرفته بودم. هدفم کسب موفقیت و افتخار برای ایران و ایرانی بود و خوشحالم که به هدفم رسیدم. به خودم بابت دوام آوردن در تمام آن لحظات افتخار می‌کنم.»



## افتخاراتی که در این

### مسیر کسب کردم

این بانوی ورزشکار درباره افتخارات خود می‌گوید: «چند سال پیش جزو پنج موتورسوار برتر جهان بودم. زمانی که موتورسواری حرفه‌ای را شروع کردم از ایتالیا خبرنگاری آمده بود ایران برای جشنواره مهارت‌های خانم‌های خاورمیانه که آن‌ها را در دنیا می‌سنجیدند. زمانی که آمدم و موتورسواری من را دیدند وقتی برگشتند ایتالیا در یک فستیوال جهانی ایتالیا از پنج خانمی که در دنیا نمونه بودند، سطح مهارتی‌شان بالا بود و الهام بخش بقیه زنان بودند دعوت کردند. در آن فستیوال من را معرفی کردند. همچنین من اولین و تنها موتورسوار خانم حرفه‌ای خاورمیانه هستم.»



## تمرین‌های شبانه در جاده چالوس

### و خاطره اولین مسابقه

او خاطرات تمرین‌های شبانه‌اش در مسیر جاده چالوس را چنین تعریف می‌کند: «زمانی که من می‌خواستم سطح خودم را بسنجم و تلاش می‌کردم که مهارت‌م را بالاتر ببرم و هر روز تمرین داشتم باشم، جای خاصی برای تمرین هایم نبود. مجبور بودم در خیابان‌ها تمرین کنم و با بقیه مسابقه می‌دادم. مسیری که بیشتر اوقات در جاده چالوس بود و همیشه هم از همه جلومی‌زدم. در نهایت که منوجه می‌شدند دخترم، خیلی‌ها تعجب می‌کردند و خیلی‌ها هم دشمنی می‌کردند. مخالف بودند، نمی‌توانستند چنین چیزی را بپذیرند. بعضی‌ها هم تشویق می‌کردند و دفعه‌های بعد هم می‌خواستند با هم مسابقه بدهیم.» شفیعی از اولین خاطره مسابقات موتورسواری‌اش در ایران بر این می‌گوید: «اولین مسابقه‌ام داخل ایران دادم و خیلی برایم مهم بود چون می‌خواستم نتیجه‌حتمانی که کشیدم را ببینم. شب اولین مسابقه‌ام در حالی که داشتم در خیابان تمرین می‌کردم، زمین خوردم و هم از نظر بدنی آسیب دیدم و هم موتورم کمی خراب شد. تصمیم گرفتم بودم مسابقه را شرکت نکنم. شبی که زمان گرفتن نفر سوم یا چهارم در خط شروع ایستادم یعنی عقب‌تر از بقیه مسابقه‌هایم و اصلاً امید نداشتم. فکر می‌کردم نمی‌توانم مسابقه را ببرم. ولی شروع کردم و سریع اول آن شخصی که نفر اول ایستاده بود را گرفتم و در نهایت اول شدم.»

## باز هم همین

### مسیر را انتخاب

### می‌کنم

از او پرسیدم اگر زمان به عقب برگردد با وجود تمام سختی‌ها و مشکلات آیا باز هم همین مسیر را انتخاب می‌کند که گفت: «اگر دوباره بار دیگر هم به دنیا بیایم، باز هم همین مسیری که آمده‌ام را انتخاب می‌کنم. خیلی خوشحالم که توانستم در این مسیر موفق بشوم. این خیلی مهم است که زندگی‌ام را جوری پیش ببرم و کارهایی را انجام دادم که دوست داشتم، رویایم بودند و توانستم به نتیجه‌ای برسانم. فکر نمی‌کنم در این دنیا هیچ چیزی شیرین‌تر و بالاتر از این باشد که کاری را که دوست داری بتوانی انجام بدهی، به اتمام برسانی و در آن موفق باشی.»



هم خودش **مجانیه** هم امتحانش

خراسان: KHORASANET

KHORASANET.IR

